

عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

نهیضتهای ملی ایران

(۱۱۰)

نظام الملك طوسی یامغز متفکر دولت سلجوقیان

چون پادشاهان سلجوقی برای اداره سرزمینهای بزرگ متمدن که تسخیر کرده بودند فاقد تجربه لازم بودند. به ناچار دستگاه اداری و مالی دولت خویش را به یاری مأمورانی که بیشتر آنها ایرانی بوده و بر اثر سقوط دولتهای غزنویان و آل بویه (دیلمیان) بیکار شده بودند سر و سامان دادند. برخی از مأموران عالی مقام و روحانیون بلند پایه ایرانی به سرعت با سلطنت سلجوقیان هم‌رنگ و هم‌آهنگ شدند.

گذشته از آن چون اعیان نظامی غز پس از گرفتن سرزمینهایی به رسم اقطاع. تمایلات گریز از مرکز نشان دادند، پادشاهان سلجوقی به مأموران عالی رتبه ایرانی که با دستگاه حکومت مرکزی پیوستگی داشته و به وجود حکومت مقدر پادشاهی علاقه داشتند تکیه کردند.

در میان مأموران عالی مقام ایرانی جالب توجه‌ترین شخص ابوعلی حسن طوسی ملقب به نظام‌الملك وزیر مشهور آل ب ارسلا ن و ملک‌شاه بود. وی الهام بخشنده سیاست خارجی آل ب ارسلا ن و ملک‌شاه سلجوقی و در عین حال سازمان دهنده دستگاه اداری و کشوری و مالی آن دولت بود

برای قضاوت جوانب سیاست او کتاب (سیاست نامه) که تألیف آن بوی نسبت داده میشود واجد اهمیت خاص می باشد .

ابوعلی حسن بن اسحاق طوسی معروف به خواجه نظام الملک در سال ۴۰۸ هجری در طوس متولد شد پدرش از دهقان های طوس بود . هنوز شیرخواره بود که مادرش درگذشت و در همین احوال پدرش بسبب خسارت های مالی دچار تنگی معیشت گشت . اما وی با وجود این وضع نامساعد بتحصیل علوم پرداخت ، زبان تازی را فراگرفت و فقه و حدیث آموخت و سرانجام در شهر بلخ به دبیری علی بن شادان که از طرف چغری بیک ، پدر آل بارسلان بحکومت آن شهر منصوب شده بود اشتغال یافت . چغری بیک پدر آل بارسلان ، در وقت مرگ نظام الملک را به شاهزاده جوان سپرد و بدین ترتیب وی وزیر و راهنمای آل بارسلان شد و از آن پس که آل بارسلان برار بیکه سلطنت سلجوقیان مقام گرفت ، وی بزرگترین وزیر آن خاندان بشمار آمد و در سراسر قلمرو حکومت سلجوقی زمام امور بیدست او افتاد .

نظام الملک در اداره امور توانائی بی حد از خود نشان داد. وی در کشور - داری بسیار هوشمند و دقیق بود. به مذهب تسنن اعتقاد کامل و راسخ داشت (۱) متأسفانه به همین علت و علل دیگر سیاسی که در ورق های آینده این تألیف به شرح آن خواهیم پرداخت. با شیعیان و اسماعیلیان و بطور کلی پیروان جنبشهای فکری ایرانیان (باطنیان) با خشونت و شدت عمل تمام رفتار میکرد . و

۱ - تعصب شدید نظام الملک به مذهب تسنن و مخالفت وی با جنبشهای فکری و سیاسی ایرانیان در قرنهاى اولیه اسلامى از نوشته های غرض آلود او در کتاب سیاست - نامه بطور واضح و کامل نمودار است .

همین امر موجبات رنجش خاطر و نارضائی وطن پرستان پرشور ایرانی را که از بدو تسلط تازیان بر ایران در مقابل با حکومت بیگانان کوشیده و همواره ب فکر سرنگون کردن خلافت نکبت بار عباسیان بودند، فراهم کرد. بطوریکه خواهیم دید در تمام مدت وزارت وی مبارزات شدیدی بین سازمان متشکل باطنیان در ایران و عمال دولت سلجوقیان که در رأس آنها نظام الملک قرار داشت بطور بسیار حیرت آوری در جریان بود.

در مقابل این عقیده و رفتار ضد ملی، نظام الملک بدانند و علم بسیار توجه داشت و بزرگان علم و دین را تجلیل و تکریم می کرد. پس از آنکه به مقام وزارت رسید، نخستین کارش تاسیس نظامیه بغداد و تأمین مخارج آن بود. بنای این مدرسه عالی در سال ۴۵۸ هجری آغاز شد و بسال ۴۶۰ پایان یافت و بعدها بعضی از بزرگترین دانشمندان عصر در آنجا بتدریس و تعلیم پرداختند. از جمله این بزرگان یکی استاد دانشمند و مبرز در الهیات ابو حامد محمد غزالی است، که سیوطی درباره اش چنین گفته است :

(اگر ممکن بود که پس از محمد (ص) پیغمبری بیاید، بسی شك آن کس غزالی می بود). (۲)

(غزالی از سال ۴۸۴ تا ۴۸۸ در نظامیه بغداد بتدریس اشتغال داشت) دیگری شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی شاعر بزرگ زبان فارسی در رشته ادبیات است. نظام الملک در سراسر مدت حکومت ملک شاه سلجوقی با آنکه در او آخر نزدیک هشتاد سال از عمرش میگذشت؛ همواره ملازم خدمت پادشاه

۲ - تاریخ ادبیات ایران تألیف پرفسور ادوارد براون جلد دوم ترجمه فتح الله

جوان بود و او را در کارها هدایت و ارشاد مینمود ، وی اوقات فراغت را صرف رسیدگی بامور مدرسه‌هایی که در بغداد و اصفهان و نیشابور بنیان نهاده بود میکرد .

با استادان و مدرسان بگفتگو می‌پرداخت و همیشه آنان را با اکرام بسیار نزد خویش می‌پذیرفت و به تألیف کتابی در آئین ملکداری و تاریخ آن که بدرخواست ملک‌شاه آغاز نهاده بود اشتغال می‌ورزید (متأسفانه همانطور که در پیش نوشته شد، این کتاب که نام آن سیاست‌نامه است و گاه سیرالماوک نیز خوانده میشود حاوی مطالبی بینهایت مغرضانه و غیر قابل قبول درباره عقاید و رفتار وطن پرستان پرشور ایرانی است که در قرنه‌های اولیه اسلامی برای کسب استقلال ملی ناگزیر تحت عنوانهای مختلف فکری و سیاسی بوجود آمده بودند.

جنبش اسماعیلیه و فعالیت آشکار آنان در ایران

در ورق‌های گذشته این تألیف راجع به اصل و منشأ اسماعیلیان و نیز فروع و شاخه‌های بلاواسطه یا اولیه آنان سخن رفت .

بطوریکه خواهیم دید در این دوره و نیز در اثناء دو قرن بعد اسماعیلیان نقش‌های مهمی در صحنه شرق نزدیک و ایران بازی کردند . باید دانست که اهمیت سیاسی و همچنین فعالیت آشکار این گروه عظیم از زمان تأسیس سلسله فاطمیان در مصر شروع میشود، که مدعی بودند از نسل فاطمه دختر محمد (ص) پیغمبر اسلام می‌باشند، و بهمین جهت هم فاطمی یا علوی بآنان اطلاق میشد . ولی مخالفان‌شان آنها را باطنیه یا ملاحده خواندند و تا حد امکان به سرکوبی آنان مبادرت ورزیدند .

بطوریکه میدانیم (۱) هدف نهائی سازمان مخفی باطنیان در قلمرو

۱ - در این مورد رجوع شود به تاریخ نهضت‌های ایرانیان تألیف نگارنده .

کشورهای اسلامی مبارزه با شیوه فک متعصب عربیت (تسنن) و کسب استقلال فکری و سیاسی و ملی بوده است. بهمین جهت کلیه فعالیت‌های نظامی یا عقیدتی آنان به منظور سست کردن پایه‌های حکومت نکبت‌بار عباسیان و در نتیجه سقوط و انقراض و اضمحلال آن انجام گرفته است.

هما طور که در ورق‌های گذشته نوشته شد خلافت عباسیان در طی قرن چهارم آهسته آهسته استیلای خود را در دنیای اسلامی ازدست داد. در اواسط این قرن قدرت و سلطه آن تقریباً برچیده شده بود و فقط بعنوان یک مرجع بزرگ مذهبی شناخته میشد.

در ایران چند سلسله کوتاه قد برافراشتند که قدرتهای آنها بیشتر قدرت نظامی بود این سلسله‌ها برای اینکه در میان مردم متعصب اهل تسنن حقیقت شرعی پیدا کنند، نفوق و سیادت دربار خلافت را به رسمیت می‌شناختند.

هنگامی که قدرت خلافت بدین طریق رو به زوال میرفت، شیعیان فرصتی برای تحقق بخشیدن به آرمان‌های خود یافتند، زیدی‌ها که دسته‌ای از شیعیان پیرو امامان بعد از علی بن ابیطالب (ع) و زید بن علی بن حسین (ع) بودند بر نواحی کوهستانی جنوب دریای خزر (گرگان و طبرستان و گیلان) و انتهای جنوبی عربستان یعنی یمن (که هنوز هم شیعه‌نشین است) استیلا یافتند. در میان آن دسته از فرقه‌های شیعه که تا امام جعفر صادق (ع) امامان مخصوص داشتند، اثنی‌عشریان یا دوازده امامیان بودند، که رقیب بزرگ اسماعیلیان محسوب میشدند. اینان را از آن جهت دوازده امامی نامیدند که به دوازده امام قائل بودند، چنانکه دیدیم برخی از زمامدارانی که بر فراز خرابه‌های قدرت خلافت (علی) علم استقلال افراشتند، شیعی مذهب بودند. اما بخاطر مصلحت عمومی و جلب نظر

رعایای سنی مذهب خود . حتی در آن هنگام که میتوانستند بغداد را جزء متصرفات خویش بشمار آورند و بساط خلافت عباسیان را در هم نوردند هم چنان سیادت کاذب دربار خلافت سر فرود می آوردند . حقیقت امر این است که آنها اگر میخواستند خلافت عباسی را ساقط کنند ، از آل علی کسی را نمیشناختند و نداشتند که بخلافت برگزینند . زیرا امام دوازدهم آنان ، غیبت اختیار کرده بود و تا آخر جهان باز نمیگشت . بهمین جهت شیعیان دوازده امامی هیچگاه حکومتی که فرمانروای آن شخص امام باشد تشکیل ندادند . در این میان بر خلاف دوازده امامیان ، اسماعیلیان برای آنکه قدرت خلافت را برای آل علی به چنگ آورند ، نهضت عظیمی بوجود آوردند . با توطئه و شورش همه جانبه ای که ظاهر آروستائیان قبائل بدوی و بزرگان کشوری پشتیان آن بودند ، برضد دربار خلافت و ترکیب اهل سنت که در پناه دستگاه خلافت عباسیان تکامل مییافت ، بتزاع برخاستند . دعوت برای بیعت با امامانی که از نسل اسماعیل پسر امام جعفر صادق (ص) بودند ، اسماعیلی نامیده میشد . داعیان بسیار اسماعیلی بمنظور نشر دعوت خود از هر طرف برخاستند . اینان از يك ستاد فرماندهی مخفی برای حمله عمومی بدستگاه خلافت بغداد و بزمادارانی که بظاهر و بطور نظری سیادت آنان را برسمیت شناخته بودند رهبری میشدند . مفهوم دعوت اسماعیلی برای اقوم بیابان گرد ، غارت دستجمعی ، دوستداری شیعه و استقلال قبیله و برای مردم شهر نشین نوید های همیشگی مذهب شیعه ، یعنی گستراندن عدل و داد ، و از میان بردن منافقان و سلاله های غاصب بود . همه در آرزوی آمدن يك مهدی بسر میبردند . زیرا آنها وقتی پادشاه موعودی که میبایست از جانب خداوند بیاید ، میآمد . دنیا که اینک پراز کفر و گناه بود ،

پراز عدل و داد میشد .

مهدی شیعه اثنی عشری . امام دوازدهم آنان بود ، که انتظار بازگشتش را داشتند . داعیان اسماعیلی به مردم اطمینان میدادند که مهدی موعود ، یکی از اخلاف اسماعیل خواهد بود ، که اینک در خفا بسر میبرد . اما بزودی زود - بافتی و پیروزی در عالم ظاهر خواهد شد . اکنون میبایست در حال تقیه بسر بسر برند و دوستی و بیعت خود را نسبت به امامان موعود از حکمرانان زمان پوشانند ، تا مبادا تعصب و جفای مردم نادان اثر آنها را از بسط زمین برچیند ، و در ضمن هر وقت که لازم باشد امام را به پول و سلاح یاری کنند . اما وقتی مهدی موعود ظهور کند و عدل و داد بر جهان حکمروا شود ، مؤمنان آزادند که خود را وابسته و دوستدار خاندان پیغمبر (ص) اعلام دارند .

همانطور که در ورقهای پیش نوشتیم نخستین کسانی که در این تاریخ نامشان بگوش خورد دسته‌های بیابان نوردی بودند که میان سوریه و عراق رفت و آمد می کردند و عموماً قرمطی نامیده می شدند اینان در قرن سوم هجری با شور و حرارتی بی حد و حصر با قوای خلیفه عباسی وارد جنگ شدند . پس از سالها نبرد ، سرانجام شکست خوردند ، و بسیاری از آنان کشته شدند . اما در همان ایام نهضت اسماعیلی در بحرین انتشار یافت و قدرت بدست عده‌ای افتاد که آنان نیز خود را قرمطی نامیدند . جنبش اسماعیلی در ایران ، در یمن (که شیعیان زیدی هم در آن فعالیت داشتند) و در سمت مغرب در افریقای شمالی بسط یافت . در افریقا ، امام موعود اسماعیلی بشخصه از پرده خفا بیرون آمد ، و نیروی عظیمی را بنیاد نهاد بطوریکه اخلاش در طی کمتر از يك قرن مصر را فتح کردند و شهر پهناور و مصفای قاهره را برای نشان دادن عظمت و شوکت خود بنا گذاشتند . سلسله اسماعیلی مصر نسبت به بازرگانان و سوداگران نیکخواه بودند و بافکار و عقاید مختلف با بلند نظری و اغماض می نگریستند .

نفوذ و سلطه آنان از آتلانتیک تا مرزهای عراق ، و در دریا از سیسیل تا سند گسترده بود . (۱)

سلسله مراتب اسماعیلی

خلفای فاطمی مصر و رهبران فکری آن دولت به موازات سازمان وسیع و استوار خویش ، سلسله مراتبی از درجات برای پیروان خود که بطور نهانی در کشورهای اسلامی مشغول فعالیت بودند ، بدین شرح تنظیم کرده بودند :

۱ - مستجیب (به معنی پذیرنده) یعنی نازه واردی که هنوز چیزی از اصول باطنی نمیداند .

۲ - مأذون (کسی که مجاز است) اصول باطنی را که به وی گفته شده مطالعه کند .

۳ - داعی (مبلغ ، دعوت کننده) این شخص اصول باطنی را که بوی گفته شده مطالعه کرده است . (داعیان در رأس سازمانهای محلی فرقه اسماعیلی قرار داشتند) .

۴ - حجت (دلیل ، اثبات مدعا) علی الرسم در رأس شبکه سازمانهای يك ناحیه مثلا خراسان قرار داشته .

بدین طریق چون امام و صامت و ناطق را هم بحساب آوریم هفت درجه بدست میآید . افراد عامه مؤمنان طبق معمول بالاتر از درجه اول و بطور ندرت بدرجه دوم ارتقاء نمی یافتند . اعضاء فرقه که بدرجه سوم و چهارم نایل میآمدند سران برگزیده و خواص اسماعیلیه را تشکیل میدادند ، ولی بدیهی است که برای ایشان نیز راه وصول به سه درجه بالاتر یعنی امام و صامت و ناطق مسدود بود . بدین ترتیب معلوم میشود که نظامات شدیدی در این فرقه حکمفرما بوده است .

(بقیه در شماره آینده)